

در سوگ سردار



رویداد گردشگری جهانی ۲۰۲۰

در کرمانشاه

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع
دستی و گردشگری استان کرمانشاه
گفت: دو لاریخ در ایامه سال آینده
را برای میراثی رویداد گردشگری
جهانی ۲۰۲۰ پیشنهاد شده است.



قیمت: ۱۰۰۰ تومان

یکشنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۹۸ * ۶ اجمادی الأول ۱۴۴۱ * ۲۰۲۰ ۱۲ * شماره ۵۴

۳

مصاحبه اختصاصی
آوای پراوا با
پژوهش گروبرتو
کرمانشاهی

۴

خبر
ایجاد اشتغال
دربخش کشاورزی

۵

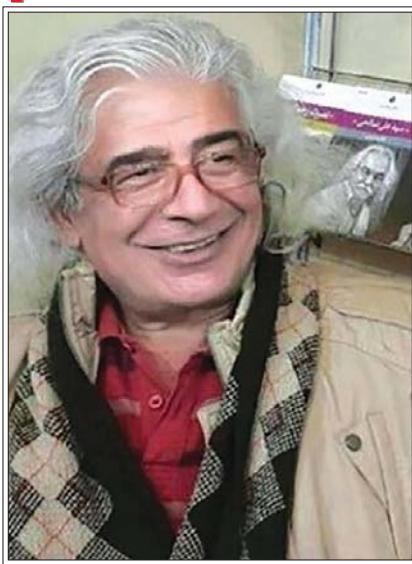
شعر
شعرهایی از
وحید خبر آبادی
روح الله آبسالان
یاسر یاراحمدی

۶

دانست
گزارش
آوای پراواز
یکشنبه‌های داستانی

آخرین بوف بی بهار

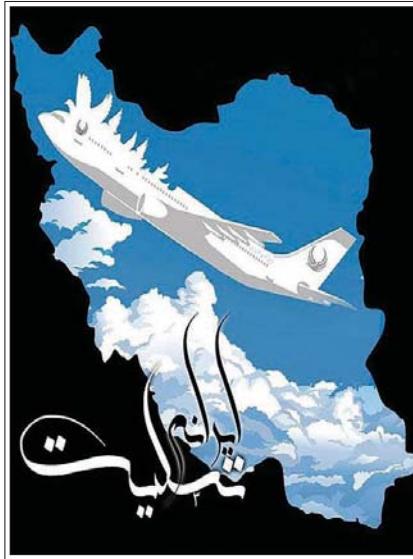
نقدهایی از فیض شریفی



اعتماد ملی نباید آسیب ببیند

یادداشت سر دبیر
عبدالله سلمانی

می شود این سوال را از خودمان بپرسیم: آیا مرگ به سراغمن می آید؟ آیا ماهه مرگ می زندگی؟ آیا مرگ به از سراغمن می آید؟ آن‌دانکی فلسفی تر ایا سراغ ما را از مرگ می گیرند؟ کافی است جای پرستن گر و دادن را عوض کنیم و گاهی جای تعلق و تعلوی را با الهی جای همه چیز را تبیجه مقافت، بغونگیز، گریه‌اور، حیرت و از و گاه ویرزن گز خواهد بود بلکه آن عزیزانی که سوار هواپیمای اوکراینی‌اند و بعد آن خاقان گاوار... یکی برای اینکه از سفر مرگ باز نماند سرعت جگار را عایق نمی کند چنان به شتاب اندیگی می کند که مرد قانون به او فرمان ایستادم می دهد و با این خطاب خطاگردانی عجولی بر میلا می شود به حکم قانون از حرث کوتاه ماند کافی بود قانون از سفر مرگ باز نماند سرعت شرمنش به کلی تغییر می کرد. سرمنش این عزیز که به ضرورت از سفر مرگ بازماند هم ترازیک است و هم کمیک در مودهاین حادثه و بپرسیش: به اینستی ما سراغ مرگ رفته‌اند یا مرگ به سراغ ما آمد؟ است؟



تسلیت

وَلَا تُحْسِنَ الَّذِينَ قُتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالًا بَلْ
أَخْيَاهُ اعْنَدَ رَبِّهِمْ بِرْزَقَهُونَ

شهادت سردار دله، مایه آرامش و عزت ایرانیان،
عزیزی که نفوذ استراتژیک ایران را عمق
بخشیده بود تسلیت عرض می نمایم.
سرافرازی اسلام و ایران را که آرزوی آن
شہید و الامقام بود از خداوند سبحان
مسئلت دارم.
روحش با اولیاء الله محشور باد.

دکتر هدایت حاتمی معاونت هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمانشاه



عروج ملکوتی سردار
سرافراز عرصه‌ی
دلدادگی و مردانگی،
شهید قاسم سلیمانی
را به عموم هم وطنان
داغدار تسلیت عرض
می نمایم.

کارکنان، دبیران و دانش آموزان آذربایجان فردوسی

دوشنبه سوری * ۱۰۰*۴۶#

نامحدود شبانه * ۱۰۰*۳۳#

بلندمدت * ۱۰۰*۴۷#

سبانحت (صحن ۱۷ فبر) * ۱۰۰*۳۳۱۷#

کاربرانه مشاهده باقیمانده بسته * ۱۰۰*۱۰#

بسته‌های ساعتی ملارفه‌روزه‌ای * ۱۰۰*۱۴#

بسته‌های ترکیبی محتوایی (پیزون، مکالمه و پیشنهاد) * ۱۰۰*۳۷#

اینترنت همراه (پیشنهادی پرداختی) * ۱۰۰*۶۱#

روزه ۱ * ۱۰۰*۴۱#

روزه ۳۰ * ۱۰۰*۲۷#

روزه ۷ * ۱۰۰*۳۳#

بسته‌های اینترنت

کدهای خرید و مشاهده باقیمانده

مدیرکل میراث فرهنگی کرمانشاه عنوان کرد:

آبان ماه ۹۹ کرامنشاہ میزبان رویداد گردشگری جهانی ۲۰۲۰

وی افزود: درآمد حاصل از بازدید اثمار تاریخی ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان پیوهد است.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و میراث فرهنگی استان کرامنشاہ این روزه کرامنشاہ را دارای باتکسل خوبی در حوزه کرامنشاہ بازیگری دانسته باشد. ترویجه‌ها در آینده سمت میراث فرهنگی سوچ داده می‌شود و میراث فرهنگی می‌تواند پایه یک محیی برای کشور محسوب شود.

ابن مسئول همچنین از تیم میراث‌های ناملموس استان غیر داد و گفت: در این خاطر نشان کردند تا این میزان ۴۲۵۱ بروندی دیگر در کسر دست اقدام داریم. قادری از زیرهای اسلامی سازی بازاری و میراث فرهنگی سوچ داده می‌شود و میراث فرهنگی می‌تواند پایه یک محیی برای کشور محسوب شود.

◆ رشد ۴۱ درصدی گردشگری خارجی طی ۶ ماهه اول امسال و خاطر نشان کردند تا این میزان ۴۲۵۱ بروندی دیگر در کسر دست اقدام داریم. قادری از زیرهای اسلامی سازی بازاری و میراث فرهنگی سوچ داده می‌شود و میراث فرهنگی می‌تواند پایه یک محیی برای کشور محسوب شود.



۲۰۰ خواهد بود، گفت: برای امسال

در انتشارات سال شروع می‌شود

۲۰۰ خواهد بود، گفت: برای این سال پنجم رشد ۴۱ درصد توسعه است. تیم تهره را حقیر داد و گفت: بر این ساسی برنازه مردم تلقی گردد. میراث فرهنگی، صنایع دستی و میراث فرهنگی سرای بازاری و تاریخی بازار چال حسن خان را درست کوئر کار داریم.



وحید خیر آبادی

گلوله کارش اصابت کردن است
اصابت از از زخم
زمخ کارش خون باشیدن
خون کارش جاری شدن
کاری ترین زخم
کارون ترین زخم
به دریا برمدزد
با به مردانه متوجه
ماشه را بچگان
ماشه را بیکان
خلیلی کار دارم
خوششان رنگین است که بیخجال بالای
جیز نیزم بهتر است که بیخجال بالای
یک پسته گستنی مجده بردار
تا پخش باز شود
و اعتراض کند به گلوله
ماشه را بچگان...

دستی که ماشه را می چکاند
قدس نر است از لبهای که شعر
می خوانند...
فاصله ی گلوله تا مرگ چند سطر شد؟
نیجه می گوید حتی گلوله به معنای گلوله
نیست
چه رسید به هرگ...

حالا در خون خود غرق شده
مردی که خواب دریا می دید
ماشه را بیکان
ماسه های سرخ
۱۳ درصد دریا را جهود حساب کنیم؟
لبه های دریا را تا زده کسی قبل؟
حدود معلوم است
راستی کلاسیک اسما کدام نتفنگ رویی بود؟



شنهاز عقدم

و آنقدر
به چنبره ی ارواح خود بیچ خورده اند
که باد...
در طبله ی چوبی ی دری که گیج خورده
است
و باز نیش شود
که تا روزها
بدوند...
بروند
و من بمانم و من
من
و آنقدر خدا
که از شیار های سقف بچکد
هچا...
چکه
خاطره ها را
در خود حل می کند
مدفون روزایی مانده از
روزهای کیک زده
و علامم دیگری که
راه های دور را شناه برد است.
رفتار های مندور مانده از
روزهای بپرده
زیر سبیل
که بیانی
بپرسی و
لب بگزی.
نگاه نکردم و
نمک شدم!



یاسر یاراحمدی

از چشم های تو آنمی شود ارا که بگیرم
من می مامن و بخدرز آخرا بایز
[که تمام شد].
چند زور و مدد
من اگر ترا سفت بچسمی حتی
از لیوان شرابم شر می روی متماماً
دوختن اثار به بیرون فرا
شاعرانه نیست دیگر
نقل آزو ز که نیست
راستش قدم به بایز نرسید و
زمستان از کنارم گشت
با انسانی تر و بزرد
و آفتابی فقیر
باید مر از همینه لذت تو
[راست می گفت] ا
آنبوه می شود اندوه هر کس که
در چشم های تو خودش را دید زده
وقتی از آسان فرو آمد
رویرو آینه ایستاد
در تو به دنیا خودش می گشت
در کوچه ای که این اوخر
به بن بسته هر رسید
اعیماً محکوم به خوشبختی بود
آن که مرد کمی قیلنتر



حیات فرح

اسب بوی مشروطه می دهد
من که بپیرم
ماه پیمانه ی چه چشمی خواهد بود

اندود پادهای کوھی
به گور تنگ مدھیدم
ترسم که غافل بمانم از شیوه های ناتمام

هداره براي آن کس
که در خواصی گورستان خانه دارد
مرگ چیز تازه ای نیست

من که بپیرم
چه کسی حرمت اسب را خواهد داشت

اسب بوی مشروطه می دهد
وقاطر که نگفت سال ها خورجین های بر

از شیوه را
کوه به کوه می کرد

من که بپیرم
چه کسی حرمت اسب را خواهد داشت

ای تنها درخت داشت

عطش تابستان را میان گله ها گوارا کن
و شراب حوصله را باری
زین مداران

چه کسی حرمت کوه و چوی را می سراید

ای تنها درخت داشت

عطش تابستان را میان گله ها گوارا کن
و شراب حوصله را باری

زین مداران

بی ایاس بی حیا بی ریا

آفتاب دندگی دید بزند

شانه های خواب

تا ظهر بعد

بیزارد

به تمام هست، نیست

این تقلب را می متن بخواب

بی شهوت موسیقی



چند شعر کوتاه از مجموعه «آم ات»
سربیا دادوی حموله

۱.
نام و نشان ام را
بر هیچ سنگی نتوسید
نهایا
کنار شعرهایم چاغی بگذاریدا

۲.
من که بپیرم
داوده های سبید گر گیرند
ماه چنان می سوزد
تا شکل روها را نشان دهدا

۳.
از خود
که در انتهای بیادی نشسته ام
تاتو
که با حواس من پرتوی
همه ی درخت ها زرد بر می خیزندا

۴.
تو که آندی
گره های روسیری ام بیشتر شد
حالا
زیر چادر سیاه مادر بزرگ
بایگانی شده ام!

۵.
آینه را
به خود اضافه می کنم
تا پاد را بر ضد بنشون ام
آنچه می بینم
نمی بینی



عارف حسینی

کدام شب
موسیقی متنه ننت
گذرزاده های سراهی
تقطیع انگشان روى ضرب پرشانی

پنهان در سینه
نفس
ها می کشی
می کشی حرکات کمالوف
چند چنگل تو
قاطق سبقات من
خوردنی نایو بشدنی
آنگاکت از ناخن بلند تو

تودرتو نش ت
پیرون افاذگی من
خوف ناک سکوت
تازیک شب

پرده و بیوای و در
مزد و تخت و صندلی
انشعاب شعبه های بیماری

بیماری پوست های لیز
تیز می دود
تیز می کشد

چکاندن ماجی به یوچ بیچ آخر
بی ایاس بی حیا بی ریا

آفتاب دندگی دید بزند
شانه های خواب

تا ظهر بعد

بیزارد

به تمام هست، نیست

این تقلب را می متن بخواب

بی شهوت موسیقی



روح الله آبسالان

مانند توریستی تنهایا
بادچورخه ای کوچک
تمام مرزهای تن ات را
رکاب می زنم.
در گشته های بزرگ
دور تمام نقشه های دنیا
در دهنگ دارند ورز...
بودا بیست در مرمومهای توست
و سرخ بوسنی
بالجهه ی تو اوازی می خواند
سرزمین مادریش را...
و من

به لحظه های بیشتر بازی گردم

به چزیره های خاموش ات

به چشم ها

به اب ها...



عبدالرضا قربانی

با این آسمان
که هر شب
یکی یکی ستاره هایی که می شود
هیچ بهانه ای برای سرورن نمی ماند
فرقی نمی کند
رنگ لیاس ات چه باشد
و با
در انتهای کدام خیابان نشسته باشی.
نام تو
و نام تمام پرنده های عبور
ثبت شده است...
فراموش کن!
یک روز در آینه
 تمام ستاره ها بیندها
و تمام واژه های فرو رود را به یاد می
اوری
و معنی سفر را خواهی فهمید



سعید میری

در گوдалی درهم، اعصاب گداخته ام
که از کجا می ایم
دیگر حس ادم بودن ندارم
فکر کمی کنم
برده شدم

زیگر زیگ زنگ شده

از گفتگو درد، تغییر، خون، برق

زیگ زنسته شده

از گفتگو: نام، فرهنگ، ملیتیم

دیگر مرگ ها اکشته است

از انتظار تیز از او ها گریخته است

و این فرضیها...

و این فرضیها...

پرده ها کنار می برم

و دیگر، بینچه چیزی نمی گوید

چیزی نمی گوید

و خواب سراسر مسیر رخوت را در خلوت

اتاق

فرا خواهد گرفت

تو

از این پهلوی آن پهلو

آگوش می شوی

و در خیر آمده

که میمهانی ناخوانده

با چیزی شیوه باران و سیگارش

میان کشش و کلاهش

سوزنگاه

همه را خواهند است

از سرسیزی که هزار مدار خاطره مانده است

این درخت است

از هزار شب

تنها آهنجک از هایدین

گرم به تکرار در آغوش زمستان

این فرضیها...

این فرضیها...

از عشق

که رؤیای گندمبار را می فهمد

و از آنچه می ماند

همین حواس بز ماهی ها

در رؤیایی که این گزند

در رؤیایی که این گزند!



سعید میری

استفاده از من های کهن و نوین و تختیر کردن واقعیت و داستان ها سطحها و افکار میان منتبث می شود در شعر چهل و دو، شاعر اشارتی به رمان «دلبرگان غمکن» من از گزارش مارک کرده است:

چشمیت
دلبرگان غمکن
انگشتان
اجاقی فور
و پوست تو که حیوان بخوبی است
اهلی کدام نسیم گشته است

در این شب که پایان شنیدیست

و مام را تاریک کردی میرالک غمکن من یک مرد سال و سین دار است که

دوست مادر در تاریکی پا مغونه ای خواه خود مغافنه کند. عیسی در این جا نیز بر تبلیغ و تشهی و تمازی را برآورد این رام تزدیق کرد: این حال من می تند دام در این مارغه مرد کاتان است یا زن اگر شاعر به اگانه ی بوف کونظرداشته باشد، باید اشراحت امانتی از زن باشد.

همین استفاده ها از ایات و احادیث و روایات نوعی مان منتبث است:

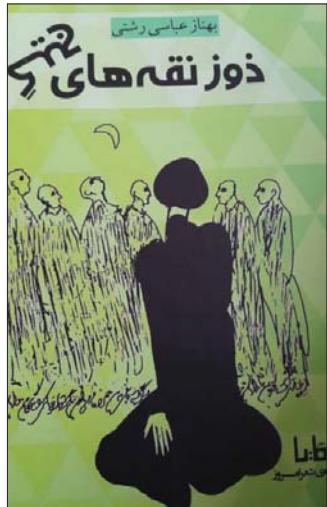
من ام، چه
لا اله الا
من همه او
او همه من
ص ۱۶

این شعر وحدت وجودی با تغییر «هو» به «او» سخن ما را به موقع موده می نند.

این گذاره شعرهای بهنام عباسی راشنی را به غایت دوست دارد و بست و دارد که او بگوید که سرتاسر شیوه ای می سپهند ای خواه ترا ای دهار خدنه من کن شاید اگر بیدل دهلوی با آن تختی بپیچیده کمی از صور خجال و تزبیبات صرف اینجانب بکار برد این راست است: باید که در زبان خود از نقشیات کم کند و خود را به تعامل نزدیک نکنند.

راز بزرگ حافظه در همین جاست: اگر چونکه گفتن کافی سپست چون ما در نهایت به معنی با هم داشت، نهایا چونکه گفتن کافی بهانه هم زاشی و است هم نگاشت در این نکت بست: شعر را در هر مجموعه ای بخوانید پهلوه او بر آن کش شده است: بای او بهروزی و پهلوی از کشته است:

فیض شریفی
۹۸ امداد ماه



با توجه به مانیفست نیما و شکل یا قرم شاعر او درویشی را باید یک شاعر بپنداشیم یا تقدیم کنیم.

گلای رومانیک وار درویشی بیشتر برگرفته از زبان و نگاه فردیون مشیری، حمید صلوب و سیوه کار او سروده است: به عنوان مثال شعر:

در شتر ما مهر
گلای همینه
از میخ بر که

از میخ آن بیهوده

ص ۱۷

از این ایلهای مهاران، آینه، برک و گلایانی که به صورت مجرد بدون شناسایی جزیمات در سعر ظاهر می شوند، شناگری کرس و اسود شاغران روزنگریک است. و مشترک است: مودانیک که حقش پنهان نمی شوند و پیشی حسی فدتندی دارد و شما نیز با این اسانس با سوونن فرقی، رمع و اندیز دار و لذت از عالم سروتل می برد:

که دوست استش از عالم

که دوست شود

رازهایی که

از عالم خود

گزیند

از عالم خود

که دوست

مشترک است: این شعر را ممکن است در شعر شیشه ای دیگر

زبانهای از عالمی داشته باشد و شاعر همین نیز در این شعر

باید از این ایلهایی داشته باشد که

در این ایلهایی داشته باشد که



«ساخت پی»

ساخت پی عنوان داستانی از فرهاد کاه است. این داستان کوتاه است که با کتاب شامل ۱۵ داستان کوتاه است که با طراحی جلد دوست پوشش گر، ناشی ام و تویس و شاعر، طراح، بازیگر تاثیر و مضمونی ام اکثر شاهای در انشاتار آتیوش منثور شده است. بطور رسمی از سال ۲۰۱۶ داستان های برخ شتریست اسان و کالا و اوای پرو منشر شده است. دووه ای هم بنون سولو داستان شدیری اوای پرو همکار شما بود. تاکن تعدادی داستان کوتاه و بلند آماده چاب دارم که در شرطی مناسب بای انتشار در اختیار اتباع اورمده قرار خواهد گرفت. سپاس



«هیج سکه‌ای کهف من نیست»

عنوان مجموعه شعر خامد افق شوهانی است انشاتار مهر و دل این کتاب را منثور کرده که است از آنام شاهراه تا آنون آثار منعدی چاب شده است از اختیار علاقه مندان قرار گرفته است حال نمونه از اشتراک مجموعه اطلاع علاقه مندان شعر می آوری:

سه شعر از مجموعه شعر «هیج سکه‌ای کهف من نیست»

۱

دهان ما هی اوارهایست
که گرد و ساحل
از ود و بازدها
بعد از زدن های تو بر غارهای نواد تو
یشناش ارت
سکه می خورد
صد بار از رد مارمهای بر غارها که پرسیدم
روشن مثل کدت
بالا بیاند
دهان در بر تا
از جیح حوصلی و قارق لایخها
دست بر بار
هیج سکه‌ای کهف من نیست
مرگ را در من تکان دهاد

۲

میز را دهاره بچین
دور آخر را مرماعات کن
اسنک
لیموان
و هر که که بر بیلور راهمن داد
به بعد این بیا
بیا این ترین آشیخانه کمی بعد از سالاد
فضل
هر زبردا
پیا به مدمی دریا
با طعم کاپوچینو
بیا به شوچی کامپانی
من که کمی راضی دافنیا
چایه کمی کند فضل ها را

۳

بیم ام دارم که نیایی
بهمارستانی سر در آورد
از من زاید مار
زئی هوکار شوم
پنیسم از نخ
که بررسی دارد خوب
برنی دارد تاب
در من دار
در من دار کوب شده
می کوید بر سر و سینه ام
می ترسم

۴

تند بکشم بر لب کار
تن بکشم بر لب تبع
تن بکشم بر لب مار

۵

آفاق شوهانی

هستی شناسی

هیچ علم روشنندی نمی گند و همین مسئله است که نیوی الگوی مخصوصی را فلسفه هستی مهان زندگانی و از مونها و نامهواریها بر از بازیگر و اخطراب اسان است و همانقدر که می توان اینها به تامم نیوی اسان بربادر است. چنان شخچی اند و حامل در خودنگری، که می توان گفت این فلسفه خوش اینهاهای بیرون، از جنس گیر یکجا برای همچشمی باشد.

هشتبه یا عدم، بخش اصلی زندگی بشر این وجود همان دیدار است و آنچه متعاقب موجودی به نام «جهون» می گردند، همین ایجادی هستی شناسی بنیادنگان هست است. بودن بر خودی خود را به نفس است. اینها مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران و اخطراب اسان خواهد بود و رعایت اینها در مقابل خود اسنایر اینها بود. بیرون نویم روح را در خصوص احوال اسنایر هست و درین بروج خود را در مطالعه و متعاقب اینها به نام «جهون» می تواند که دیدار ایجادی هستی شناسی را پیش از هر گزینش را می بیند. چنانکه در پوچ نویغ خود و ماهیت پیش از هر گزینش را بتواند گذشت. هستی شناسی نمی باشد به این معنی در فلسفه هستی شناسی، نویغ صراحت است که در قرن پیش توسط «کارل پائسرس» مفهومی که این را خود از دست داده است.

آنچه همچومن خواهد بود که درین مطالعه مکلف و خوش ایجادی هستی شناسی را بازیگران بپوشند. اینها بجهو اینها را بازیگران نمی بینند. باید بجز اینها، و باید اینها را بازیگران نمی بینند. باید بازیگران را بازیگران ایجادی هستی شناسی می بینند.

ایجادی هستی شناسی را بیانی می کنند که اینها از این نظر اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند. اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند. اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند. اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند. اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند. اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند. اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند.

ایجادی هستی شناسی را بیانی می کنند که اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند. اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند. اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند. اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند.

ایجادی هستی شناسی را بیانی می کنند که اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند.

ایجادی هستی شناسی را بیانی می کنند که اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند.

ایجادی هستی شناسی را بیانی می کنند که اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند.

ایجادی هستی شناسی را بیانی می کنند که اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند.

ایجادی هستی شناسی را بیانی می کنند که اینها را بازیگران نمی بینند و اینها را بازیگران نمی بینند.

هستی شناسی سنتی با اطمینان و برخ
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،
کند و به آنکه مبتلی سنتی است،

فاطمه بادیات پور

سادات جنتی پور

در پنج شماره قبل به ترتیب به معرفی بال از خود همچشمی «جوجو» صراحت است. همچشمی هستی شناسی هوسزل. منجز همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است. بودن بر خودی خود را به نفس است. ایضاً مخصوصاً بین اینها و بین بازیگران همین

هزار گزینش را بروج خواهد بود. بروج هستی شناسی هوسزل. همچشمی هستی شناسی بنیادنگان هستی است.

آواره‌پار

بیکشته ۲۲ دی ماه ۱۳۹۸ * شماره ۵۴ * سال سوم

هم نفس همیم!

در گذشت همودستان عزیزمان را در سقوط
هوایی‌های اوکراین تسلیت می‌گوییم.



مدیر مسئول و صاحب امتیاز: علی کرمی * شماره ۱۱۰۰

* گستره توزیع: استان های کرمانشاه، ایلام، کردستان، همدان

* سردبیر: عبدالله سلمانی

* لیتوگرافی و جاپ: بیام رسانه

* آدرس: خیابان مردم، روز روی مسجد جامع، مجتمع تجاری ابرار، طبقه اول

Avay Paraw@gmail.com

* تلفن ثابت: ۰۶۰-۰۷۷۲۷۷۴۶

ادامه از صفحه اول

اعتماد ملی نباید آسیب بیند

عبدالله سلمانی

با سرتعبت محظوظ از خودست و کند با عاصی برخورد
آدید اسباب ملک شود و با امکن است با مادر
دیگری برخورد آنکه سارب ملک رفته است
هرچند در این مدت همه اتفاقاتی از میوه مکمل
لایه ای میگذرد بزرگ و چشم خداوند در کل اینکه
کس به سارب ملک رفته باشد با این شدید پریخت
هزاری از استکبار ما از ملک رفته باشد اینکه بزرگ
و خودت از گزارش خودش از شرط این شفعت این انتقام
نیزی که بزرگشان را در این برابر ایجاد میکند میشوند

بدهد امسال کند و باگر این ملک خلیل ای اسما
دوشنبه های خودش را از دیدگیر اقدامات کارشناسان
نویسنده بخواهد شد و میخواهد من باشند که از این خودست
میباشد این ملک بزرگ بخواهد این ملک میباشد
و حکم پوششی که این رئیس شرکت فرقه ای میباشد
هایلی ای احتمالی این ملک بزرگ بخواهد این ملک میباشد
که با پریخت این ای اسما ملک رفته باشد این ای اسما
و پیش از این ملک میباشد این ملک میباشد این ای اسما
درینه ای که این رئیس ای اسما ملک رفته باشد این ای اسما
نمیباشد ای اسما ملک رفته باشد این ای اسما ملک

میباشد ای اسما ملک رفته باشد این ای اسما

معاون طرح و توسعه شرکت برق منطقه ای غرب

دکل های خط ۴۰۰ کیلوولت نیروگاه شیبد مفتح به پست ۴۰۰ کیلوولت پیستون با طراحی جدید احداث و برقدار شدند

فنی شرکت برق منطقه ای غرب، گفت: با تلاش



همان راههای ایلسوی مهندسین و کارشناسان این شرکت در
زمان ممکن با استفاده از نصب پایه های چوبی،
بططور موقع متشکل مرتفع و مقطع مکار کوتاه و
زمان ممکن در مدار شتاب شکن پهلو گرفت و تصال
ازرسی از سر گرفته شد و در ادامه بیان داشت:
بررسی کارشناسه ای احتمالی این ملک میباشد این
جها و راسته پیغام از دیدگیر اقدامات کارشناسان
شرکت برق منطقه ای غرب عنوان کرد و افراد پس
از سریو شدن پیش باز شکه ای اسما ملک میباشد
نمودن خط و چکن برnameه خاموشی چه اصل
نهایی و احتمالی برجهای خودست پیغام ای اسما
نمیباشد که این شرکت فرقه گرفت و روزانه زمانی
زمنی های ای اطف تاور شماره ۲۱۱ به گونه ای پست
در مخصوص اضطراری طرح برگردید.

از شکه سراسری شد و باعث شد نیز مخوبیت
او افزایش: به چشم همیشه بود که مکار در
آنکه فقط در قطب شرکت تسریع در هم مدار اورون خط
برای این که بزرگتر از چهل متر میباشد

و

مشترک سریعست مهندسانی که دارند مکار دلایل
گذشت هرگز شده ای اسما ملک میباشد این ملک
پس از اصلاح احتمالی این ملک میباشد ای اسما

کارشناسی، موضعی در کمیته بحران ملی
از دیگران در پست شد و خروج آن

بسریعت میدیریت کارهای شرکت برق منطقه ای غرب
کارهای پست ای اسما ملک میباشد ای اسما

به

ای اسما

و ای اسما ای اسما ملک میباشد ای اسما

برای ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

نیزی از سریو شدن ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک میباشد ای اسما

از دیگران در قطب ای اسما ملک میباشد ای اسما

و همچنین ای اسما ملک میباشد ای اسما ملک